

جهاد تبیین (۷)

دخل و خرج ما در منطقه

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام

نماینده ولی فقیه در سپاه

سرشناسه: زارعی، سعدالله، ۱۳۴۲، پدیدآور | عنوان و نام  
پدیدآور: دخل و خرج ما در منطقه / نویسنده سعدالله زارعی؛  
ناظر علمی سیامک باقری چوکامی؛ تهیه کننده پژوهشگاه علوم  
اسلامی امام صادق (ع). | مشخصات نشر: قم: پژوهشگاه علوم  
اسلامی امام صادق (ع)، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۶۱ | مشخصات  
ظاهری: ۱۴۴ ص.؛ ۱۹ x ۹/۵ س.م. | فروست: جهاد تبیین: ۷ |  
شابک: 978-964-246-818-8 | وضعیت فهرست نویسی: فیبا |  
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۳۹] - ۱۴۴. | موضوع: ایران -- روابط  
خارجی -- خاورمیانه Foreign relations -- Iran -- Middle  
East | موضوع: خاورمیانه -- روابط خارجی -- ایران Middle East  
Iran -- Foreign relations -- | شناسه افزوده: باقری چوکامی،  
سیامک، ۱۳۴۲ - | شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم اسلامی  
امام صادق (ع) | شناسه افزوده: Imam Sadiq Research  
Sciences Institute for Islamic | شناسه افزوده: پژوهشگاه  
علوم اسلامی امام صادق (ع). انتشارات زمزم هدایت | شناسه  
افزوده: Imam Sadiq Research Institute of Islamic  
Sciences, Zamzam Hedayat | رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۵۶ |  
رده‌بندی دیویی: ۰۸۴/۹۵۵ | شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۲۴۸۱۹



زمزم پبلیشرز

جهاد تبیین (۷)

## دخل و خرج ما در منطقه

نویسنده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)  
مترجم: ولی فقیه در سپاه

نویسنده:	سعدالله زارعی
ناظر علمی:	سیامک باقری چوکامی
واپایش نهایی:	عبدالرحمن حیاتی اصل

ناشر:	زمزم هدایت
صفحه آرا:	مسلم خسروی
طراح جلد:	محمد مرین احمدی
ناظر چاپ:	ابراهیم اسماعیلزاده

چاپ:	مرکز چاپ سپاه
قطع:	پالتویی
نوبت:	اول / ۱۴۰۱
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۸۱۸-۸
شمارگان:	۲۰۰۰
قیمت:	۵۴۰۰۰ تومان

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی (دور شهر)، نیش کوجه ۳، پلاک ۸۱  
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۲۰۷۲۵ / همراه: ۰۲۵ ۲۵۲ ۲۸ ۸۷ / ۰۹۱۲

حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر  
برای انتشارات زمزم هدایت محفوظ است.



9789642468188

## فهرست مطالب

۷.....	دیباچه
۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	۱. سود و صرفهٔ حمایت‌ها
۲۳.....	۲. هزینهٔ مقاومت، هزینهٔ عمران کشور
۳۰.....	۳. سرمایه‌گذاری خارجی به جای مقاومت
۳۶.....	۴. مقاومت و پیشرفت اقتصادی
۴۴.....	۵. فشار اقتصادی حمایت
۵۱.....	۶. چراغی که به خانه رواست
۵۸.....	۷. حجت شرعی حمایت از مقاومت
۶۵.....	۸. کمک به مقاومت و رضایت مردم
۷۳.....	۹. مقاومت و نظر نخبگان
۷۹.....	۱۰. کمک به «فلسطینی‌های عرب»
۸۷.....	۱۱. هزینه بیشتر از نتیجه

۱۲. مقاومت و دشمنی امریکا ..... ۹۵
۱۳. تحمیل جنگ بی پایان ..... ۱۰۳
۱۴. انزوای بین المللی ایران ..... ۱۱۰
۱۵. همزیستی به جای مخالفت ..... ۱۱۶
۱۶. آینده را قربانی نکنیم ..... ۱۲۳
۱۷. جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱۲۹
- کتابنامه ..... ۱۳۹

www.ketab.ir

## دیباچه

یکی از مؤلفه‌های قدرت و اقتدار دولت‌ها، نفوذ و عمق راهبردی آنها در بیرون از مرزها است. یکی از انگیزه‌های دولت‌ها برای امتدادبخشی عمق راهبردی خود، تأثیری است که بر امنیت ملی آنها دارد. از این رو، دولت‌ها نسبت به تضعیف عمق راهبردی‌شان بسیار حساس هستند و برای حفظ و گسترش آن حاضر به پرداخت هزینه می‌باشند. این منطبق با جمهوری اسلامی ایران نیز ثابت و صادق است. به خصوص منابع اسلامی نیز آن را تأیید می‌کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

قُلْتُ لَكُمْ اغْرَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرُوكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي  
عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا.<sup>۱</sup>

به شما گفتم که با اینان بجنگید پیش از اینکه با شما  
بجنگند، به خدا قسم هیچ ملتی در خانه‌اش مورد حمله  
قرار نگرفت مگر اینکه ذلیل شد.

براساس این حدیث رهبر معظم انقلاب دامت برکاته در اهمیت  
گسترش عمق راهبردی آن را امر واجب دانستند و فرمودند:

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور،  
قم، آوای قرآن، ۱۳۹۶، خطبه ۲۷.

این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد.<sup>۱</sup>

بنابراین، محور مقاومت، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر، حضور در کشورهای منطقه و طرف‌داری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی و تقویت گروه‌های مقاومت، عمق راهبردی جمهوری اسلامی به شمار می‌آید و با توجه به گره خوردن این نگاه فرامرزی با قدرت، اقتدار و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، منطق عقلانی حکم می‌کند که دولت ایران به رغم فشارها نتواند از آن صرف نظر کند. به بیان رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام:

نظام جمهوری اسلامی موظف است طوری رفتار کند که دوستانش و هوادارانش در منطقه تقویت بشوند؛ این وظیفه ما است. حضور ما به معنای تقویت دوستانمان و تقویت هوادارانمان است. ما نباید کاری کنیم که دوستان و وفاداران به جمهوری اسلامی در منطقه تضعیف بشوند.<sup>۲</sup>

این نکته مهم است که چنانچه سایر ملت‌ها به خصوص محور

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار با مجمع عالی فرماندهان، ۱۳۹۸/۷/۱۰،

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43632>

۲. بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام

۱۹ دی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹، دسترسی در: [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47066)

[content?id=47066](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47066)

مقاومت عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران هستند، ملت ایران نیز عمق راهبردی آنها به شمار می‌آید، این عقبه راهبردی متقابل در هنگام مشکلات، چالش‌ها و تهدیدات به کمک یکدیگر می‌شتابند. بی‌تردید، هر عاملی که اقتدار و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را افزایش و توسعه دهد، با مخالفت قدرت‌های بزرگ و سطله‌گر روبه‌رو خواهد شد. از ابتدای انقلاب اسلامی شاهد این واقعیت هستیم که از نظر امریکا و متحدین غربی و عبری آن هر چیزی که نقطه قوت برای جمهوری اسلامی ایران و نقطه تهدید برای آنان محسوب شد و توانست نقش بازدارندگی را برای ایران اسلامی، بازی کند، به مثابه تهدید فوری تلقی کرده و امکانات خود را برای تضعیف آن به‌کار برده‌اند.

نمونه بارز آن، عقبه راهبردی ایران در منطقه و توسعه این نفوذ و اقتدار در میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه است که به عنصر غیرقابل انکار اقتدار و امنیت ملی ایران تبدیل شده است، از این رو، شاهد برنامه‌های پیچیده سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت‌های غربی به رهبری امریکا و مدیریت صهیونیست‌ها برای تضعیف و از بین بردن آن هستیم. پدیداری داعش و تقویت آن، یکی از راهبردهای سخت‌افزاری دشمنان برای بیرون راندن ایران از عمق استراتژیکش بوده است.

راه‌اندازی جنگ ترکیبی با اولویت جنگ شناختی، جنگ روانی و جنگ روایت‌ها راهبرد نرم‌افزاری دشمن برای تضعیف پشتیبانی‌های داخلی حمایت و تقویت عقبه راهبردی ایران در منطقه است. در این راستا شاهد روایت‌سازی‌های دروغین و



شبهه‌افکنی‌ها متکثر و متنوع در اذهان عمومی ملت ایران هستیم که تلاش دارد، با وارونه‌سازی حقایق و ارزش راهبردی نگاه فرامرزی ایران و تحریف رابطه بین توسعه و تقویت عمق استراتژیک با امنیت ملی و داخلی جمهوری اسلامی، ملت ایران را در برابر منافع و امنیت ملی خودش قرار دهد. شعار نه غزه و نه لبنان یکی از استعاره‌هایی است که به نفع دشمن ساخته شده است که متأسفانه عده‌ای هم ناآگاهانه در این دام گرفتار شدند. شبهه‌هایی مانند چرا به جای هزینه مقاومت به عمران و آبادی کشور نمی‌پردازید، تا زمانی که ما در ایران فقیر داریم، چرا باید به فلسطین و لبنان کمک مالی کنیم، اگر ایران تنش با رژیم صهیونیستی را به صفر برساند و رابطه خود را به جای گروه‌های فلسطینی و لبنانی با رژیم اسرائیل برقرار کند، همه مشکلات ایران حل خواهد شد. و شبهاتی از این دست جعل و تولید می‌شوند تا ملت ایران را نسبت به حمایت از سیاست‌های نظام که خود تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی است، صرف نظر نمایند.

با توجه به اهمیت راهبردی این موضوع، آنچه در این جلد از جهاد تبیین به بحث گذاشته شده است، پاسخ منطقی به مهم‌ترین شبهات ساخته شده توسط امپراتوری رسانه‌ای دشمن علیه سیاست‌های اساسی ایران نسبت به عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشد.

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

بهار ۱۴۰۱

## مقدمه

«سیاست خارجی» یکی از وجوه ممتاز نظام اسلامی است و مهم‌ترین وجه تعارض آن با نظام استکباری هم می‌باشد. نظام استکباری حسب طبیعت خود، «استیلائی مطلق» کمی و کیفی بر همه اجزاء جهان را طلب می‌کند و پذیرای هیچ استثنایی نیست. از آن طرف سیاست خارجی در کشوری که به استقلال خود اهمیت می‌دهد، ارتباط فعال آن با محیط خارج را طلب می‌کند؛ چرا که چنین کشوری به دلیل تعارضی که با نظام مسلط در محیط بین‌الملل پیدا می‌کند، به برخورداری از عمقی در فرآیندها احتیاج دارد. به عبارت دیگر در وضع فعلی جهان استقلال یک کشور بدون داشتن رابطه‌ای مؤثر و هم‌افزا با کشورهای پیرامونی و حضور در معادلات کلان بین‌المللی قابل تأمین نیست.

طبعاً در وضعیت کنونی جهان، ایران علاوه بر روابط خارجی به جبهه‌ای از دولت‌های «هم‌عقیده» خود نیازمند می‌باشد؛ چرا که روابط خارجی هر چند گسترش زیادی هم داشته باشد، در مواقع خاص می‌تواند به سرعت تحت تأثیر قرار گرفته و حتی از میان برود. در این مواقع آنان که «هم‌جبهه» اند، کنار یکدیگر می‌مانند. سوریه و اوکراین دو مثال مناسب هستند. زمانی که سوریه با بحران

تروریزم تکفیری مواجه گردید، تقریباً - به جز رژیم صهیونیستی - با همه کشورهای دنیا رابطه داشت، اما زمانی که با بحران امنیتی مواجه شد، به یکباره همه روابط سیاسی، اقتصادی آن متوقف و در واقع سوریه در مرزهای جغرافیایی خود محبوس گردید. در این میان تنها دو کشور و یک جنبش که با سوریه روابط نسبتاً راهبردی داشتند؛ یعنی ایران، روسیه و حزب الله لبنان پای کار این کشور باقی ماندند و از قضا سوریه از این طریق حفظ شد و روابط سیاسی با کشورهای مختلف کمکی به آن نکرد.

مثال دیگر وضعیت روسیه در بحران اوکراین است. در این بحران، غرب تصمیم گرفت روسیه را تنبیه و تحریم کند؛ امریکا، اروپا و کشورهای مرتبط با این دو نظیر ترکیه، برکه تحریم روسیه را روی میز گذاشتند. اجرای تحریم واقعاً وضعیت روسیه را بسیار دشوار می کرد تا جایی که بعضی پیش بینی کردند، اقتصاد آن فرو می پاشد و نظام سیاسی آن به هم می ریزد. روسیه در این زمان با همه کشورهای دنیا رابطه سیاسی داشت اما آنچه تحریم غرب علیه این کشور را بی اثر کرد، پای کار آمدن چین بود. در این میان چین اعلام کرد تحریم علیه روسیه را به رسمیت نمی شناسد و روابط اقتصادی خود با آن را توسعه می دهد. پس از این بود که تعدادی از کشورهای اروپایی که با وجود کمک پکن به مسکو متوجه بی خاصیت شدن تحریم ها شدند، تحریم را کنار گذاشتند و روسیه توانست از افزایش قیمت های نفت هم بهره مند گردد.

پس کاملاً واضح است که کشوری که در صدد حفظ استقلال خویش است، باید جبهه‌ای داشته باشد وگرنه با فروپاشی استقلال خود مواجه می‌شود. فروش استقلال به ازای حفظ وضعیت اقتصادی، اگر در کوتاه‌مدت خیری داشته باشد، در درازمدت به «شر جاری» تبدیل می‌شود. به ژاپن نگاه کنید. این کشور پس از جنگ جهانی دوم وابستگی به امریکا را پذیرفت و از داشتن مهم‌ترین و پایدارترین عنصر قدرت محروم شد و سرگرم کار شد، کار، کار و کار. اما به نقطه‌ای رسید که می‌بیند. هم‌اینک امریکا و کشورهای دیگری که عنصر قدرت دفاعی را از ژاپن گرفتند، رو به افول گذاشته‌اند و قدرت‌های جدیدی در عرصه بین‌الملل در حال ظهورند که یکی از مؤلفه‌های مهم‌شان قدرت نظامی است. قاعدتاً با نگاه به قدرت اقتصادی، ژاپن باید جایگاه مهمی در نظام آینده داشته باشد؛ اما امروز وقتی جدول قدرت‌های آینده جهان را ترسیم می‌کنند، ژاپن در آن جایگاهی ندارد. بنابراین ژاپن با کنار گذاشتن قدرت نظامی خود، در کوتاه‌مدت به منافی رسید اما در درازمدت به نحو فاجعه‌باری ضرر کرد. این کشور با کار خستگی‌ناپذیر، به موقعیت‌های بالای اقتصادی هم رسید اما در فرایند نظام‌سازی بین‌المللی و بهره‌مندی از آن کنار زده شد و لذا کسی امروز تن دادن ژاپنی‌ها به نادیده گرفتن قدرت سیاسی خود را تحسین نمی‌کند. در واقع ژاپن در این معامله، به قیمت از دست دادن منافع استراتژیک و درازمدت، فقط سودهای تاکتیکی و مقطعی به دست آورد.

با توجه به اینکه «امپراتوری خبری»، از نوع سنتی و نیز از نوع مدرن، در اختیار غرب می‌باشد، طبعاً حرکت استقلال طلبانه مخالفان خود را تخریب و آن را روند پرهزینه و بی‌فایده معرفی می‌نماید و حتی فراتر از آن، ورود به حریم‌های ممنوعه می‌خواند. به عنوان مثال، ایران به دلیل داشتن استقلال، می‌تواند نظر خاص خود را درباره فلسطین داشته باشد، همان‌طور که غرب نظر خاص خود را دارد اما امپراتوری خبری، این حق نظر خاص را برای «دیگران» به رسمیت نمی‌شناسد. در این چرخه، امریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان، می‌توانند با صراحت از فعل جنایت رژیم اشغال‌کننده فلسطین حمایت نمایند و آن را کمک به صلح و امنیت جهانی بخوانند. اما دو همان زمان به اعتراض جمهوری اسلامی ایران به جنایت رژیم اسرائیل، عنوان حمایت از تروریزم داده و دفاع از مردم فلسطین را برهم‌زننده صلح و امنیت بین‌الملل می‌خوانند و ایران را تحریم می‌کنند. در ادامه این روغد جریان‌ات داخلی ایران که در عین وابستگی به این امپراتوری خبری و امپریالیسم جهانی، با استفاده از رسانه‌ها، تریبون‌ها و شخصیت‌های خاص، به میدان می‌آیند و وجهه دیگری به موضوع حمایت مشروع ایران از فلسطین می‌دهند. دنباله‌های داخلی امپریالیسم خبری، حمایت از مردم فلسطین را حمایت از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام، مدافعان صدام حسین، هم‌پیمانان آل سعود و تکفیری‌های سنی معرفی کرده و مدعی هزینه‌کرد نجومی ایران در حمایت از فلسطین می‌شوند!

در صحنه دیگری اگر بخواهد ایران به صورت مسالمت‌آمیز از حقوق بحرینی‌ها در برابر رژیم نامشروع این کشور دفاع کند، دنباله‌های ایرانی غرب، آن را دخالت در امور کشور همسایه، حمایت از عرب‌های ضدفارس، مانع بهبود روابط با عربستان و سبب سرکوب بیشتر شیعیان معرفی می‌نمایند!

ما وقتی رد دروغ‌پراکنی امپراتوری خبری غرب و دنباله‌روان داخلی آن در ایران را دنبال می‌کنیم، می‌بینیم از نظر آنان، کشوری مستقل یا سیاستی مستقل نباید وجود داشته باشد. روشن است که در چنین فضایی تأمین مصالح و منافع ملی کشوری مثل ایران، با دشواری‌ها و هزینه‌هایی مواجه می‌گردد. در این میان ملتی که نتواند با این دشواری‌ها و هزینه‌ها کنار بیاید، نمی‌تواند منافع درازمدت و حتی میان‌مدت خود را تأمین نماید. به فقره داعش نگاه کنید؛ داعش به شهرها و مردم اهل سنت رحم نکرد و در استان‌های سنی‌نشین سوریه و عراق، آنان را به خاک و خون کشید. واضح بود که اگر پای آنان به آبادی‌های شیعه می‌رسید، با شیعیان چه کار می‌کردند. در این بین، ایران با این پدیده مواجهه‌ای دقیق و حکیمانه کرد و با پذیرش دشواری‌ها و هزینه‌هایی، خطر آنان را از ایران و ملت‌های منطقه دفع نمود. همین الان اگر ما با گسترش داعش در افغانستان مقابله نکنیم و به حملات پی در پی آنان به اجتماعات سنی و شیعه در افغانستان پایان ندهیم، امنیتی برای مرزها و موقعیت‌های اقتصادی ایران در افغانستان باقی نمی‌ماند. امپراتوری خبری غرب و دنباله‌های آن در داخل کشور نام این موضع مسئولانه

را «جانفشانی برای دیگران»، «هزینه‌های هنگفت»، «هزینه‌های نیابتی» و... می‌گذارد و سیاست‌های ایران را زیر سؤال می‌برد و در صدد است مانع تحقق منفعت استراتژیک ایران که رفع خطرهای امنیتی در آن سوی مرز آن است، شود. در ادامه به تبیین مهم‌ترین چالش‌سازی‌های ذهنی امپراتوری رسانه‌ای و دنباله‌های آن در داخل پیرامون حمایت‌های ایران از جبهه مقاومت پرداخته می‌شود.

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)